

طراحی مدلی برای تبین رابطه بین سرمایه اجتماعی و پذیرش روش‌های کشاورزی پایدار

علی احمدی فیروزجائی^۱، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

حسین نازک‌تبار، دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف این مقاله طراحی مدلی برای پذیرش روش‌های کشاورزی پایدار برای کشاورزان استان مازندران بود. این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و علی-مقایسه‌ای می‌باشد که به روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق در حدود ۳۰۰۰۰ کشاورز ساکن در شهرستان‌های بابل، ساری و آمل بودند. که از این تعداد ۳۹۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، در نهایت ۱۲ روستا به صورت کاملاً تصادفی از میان روستاهای شهرستان‌های مورد مطالعه برای مطالعه انتخاب شدند. برای تعیین تعداد دقیق نمونه‌های هر روستا از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شد. پرسشنامه مهمترین ابزار گردآوری اطلاعات بود. یافته‌های این تحقیق نشان دادند که سطح سرمایه اجتماعی و میزان پذیرش برنامه‌ها در بین اعضای تعاونی تولید بسیار بالاتر از میزان آن در بین غیراعضا بود. به طور کلی یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر

نشان داد که سازماندهی کشاورزان در قالب تعاونی تولید، میزان انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی را در بین کشاورزان افزایش می‌دهد و این به نوبه خود میزان مشارکت اجتماعی را در آنها افزایش می‌دهد. و در نهایت، افزایش توان مشارکتی کشاورزان منجر به توانمند شدن آنها می‌شود و پذیرش روشهای کشاورزی پایدار را افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی پایدار، تعاونی تولید، سرمایه اجتماعی، پذیرش

مقدمه

در اواخر قرن بیستم، پارادایم جدیدی در جامعه کشاورزی مطرح شد، و توجه جامعه کشاورزی از تأکید صرف بر بهره‌وری به سمت پایداری جلب شد (Westra, 1990; Beus & Dunlap, 1990). در آن زمان این نکته احساس می‌شد که بهره‌وری زیاد در کشاورزی متعارفی به محیط زیست و منابع طبیعی خسارت‌های عظیمی را وارد می‌کند و همچنین شکاف‌های اجتماعی را گسترش می‌دهد. از میان پیامدهای منفی منسوب به کشاورزی متعارفی می‌توان به تمرکز محصولات کشاورزی و توزیع آنها در بین چند سهامدار بزرگ، مهاجرت کشاورزان، انباشت سرمایه و بدهی‌های زراعی گسترده، تخریب وسیع محیط طبیعی، آلودگی آبهای سطحی و زیر زمینی بوسیله نهاده‌های شیمیایی کشاورزی، و تخلیه منابع طبیعی اشاره کرد (Batie & Taylor, 1989; Daubom, 1986; Lacy & Busch, 1984; Berry, 1977). مقابله با پیامدهای منفی کشاورزی متعارف، شکل‌های مختلفی از سیستم‌های کشاورزی پایدار به عنوان بدیل‌های کشاورزی متعارف معرفی شدند. که از لحاظ اقتصادی، سودآور و از لحاظ محیطی بی‌خطر بودند. مسیر تحول این سیستم‌ها، حرکت از کشاورزی جایگزین، کم‌نهاده، و بیودینامیک به کشاورزی ارگانیک بوده است (Batie & Taylor, 1989). تناوب زراعی، مدیریت تلفیقی آفات، روش‌های کشت توأم، حفاظت از حیوانات، حفاظت از خاک و آب (تسطیح و یکپارچه‌سازی اراضی، کاهش مصرف کود، سموم دفع آفات و علف‌کش‌ها، شخم در خلاف جهت شیب زمین، روشهای آبیاری پیشرفته، جلوگیری از آلودگی آبهای سطحی و زیر زمینی،) و افزایش عملکرد در واحد سطح (کشت دوم در مزارع برنج) از جمله روش‌های کشاورزی پایدار در این تحقیق می‌باشند.

مطالعات گوناگون نشان داده است که هم اکنون فقط تعداد محدودی از کشاورزان روش‌های کشاورزی پایدار را به کار می‌گیرند. علت این موضوع به فقدان اشاعه اطلاعات واضح و مورد اعتماد مربوط می‌شود. اگرچه امروزه دانشمندان و محققان حجم بسیار زیادی از دانش و